

چکیده

علوم سیاسی در کشورهای خاورمیانه رشته‌ای نوظهور تلقی می‌شود، به عبارت دیگر در این کشورها فرایند دگرگونی هنجاری در حوزه‌های ساختاری پیش از فضای آموزش انجام می‌گیرد. شاخص‌ها و تفاوت‌های آموزش علوم سیاسی در دو کشور خاورمیانه‌ای یعنی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر به جهت یافتن نقاط قوت و نقاط ضعف وضعیت موجود موضوع این تحقیق می‌باشد به همین منظور وضعیت آموزش علوم سیاسی در کشورهای ایران و مصر، مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. فرضیه این تحقیق بر دو مبحث پایه‌ای زیر بنیان نهاده شده است: ۱- متون درسی موجود در حوزه‌ی علوم سیاسی مصر بیشتر ناظر بر عمل‌گرایی و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی استوار است. ۲- متون درسی ایران در حوزه‌ی علوم سیاسی عمدتاً ماهیتی نظری انتزاعی و ژئوکالچری داشته است. دستاوردهای این تحقیق نشان می‌دهد که کثرت دانشکده‌های مجموعه‌ی علوم سیاسی و تعدد دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی در ایران نظری (حفظی) بودن دروس علوم سیاسی، ناکارآمدی و غیر کاربردی بودن این رشته که عمدتاً ماهیتی نظری و انتزاعی دارد و بکار نرفتن فارغ‌التحصیلان این رشته در دستگاه دیپلماسی کشور منجر به بی‌اهمیتی و بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌ی علوم سیاسی انجامیده است. هدف اصلی از تشکیل رشته‌ی علوم سیاسی، ارائه آموزش‌های لازم به کادر دیپلماتیک و سایر تصمیم‌گیرندگان سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهاست. با توجه به دستاوردهای این تحقیق در کشور ما این رشته نتوانسته است جایگاه شایسته‌ای را کسب نماید و متخصصان این رشته کمتر در جایگاه شغلی خود مشغول به کار می‌باشند. با مراجعه به وزارت امور خارجه و بررسی کارکنان و مسؤولین این وزارتخانه به عنوان یکی از عمده‌ترین جاهایی که مرتبط با رشته‌ی علوم سیاسی است هرچه بیشتر با مهجور ماندن و بی‌توجهی به این رشته در کشور ما آشنا خواهید شد و این از آسیب‌های علوم سیاسی می‌باشد در صورتی که در کشور مصر به جهت کمبود دانشکده‌های علوم سیاسی و دانشجویان این رشته، کاربردی بودن دروس سیاسی دانشگاه‌های مصر بازار کار برای فارغ‌التحصیلان این کشور در شغلی که تخصص آنرا کسب نموده‌اند فراهم است.

واژگان کلیدی: علوم سیاسی، خاورمیانه و آموزش عالی

۱ - دانشیار جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران. Rped_almizan@yahoo.com

۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس arash_rezadoust@yahoo.com

مقدمه

سابقه‌ی آموزش عالی از دنیای باستان وجود داشته و مؤید این ادعا، وجود دانشمندانی چون ارشمیدس، اقلیدس، بقراط، بطلمیوس و دیگران بودند و حتی دانشمندان علم سیاست مثل افلاطون و ارسطو اثراتی مثل جمهوریت و سیاست را خلق کردند و آن‌ها صاحبان اندیشه‌ی دوران خود بودند که ضمن تدریس و تحقیق، نسبت به تربیت شاگردان و تعمیم و انتقال علم خود اهتمام ورزیدند. بین دانشمندان و علمای آن دوره، مناظره و مباحثه و حتی جدل وجود داشت که آثار این مباحثات منجر به ارائه‌ی نظریات و نظریه‌ها و نهایتاً منتج به کشف حقایق و پدیده‌ها می‌شد. یقیناً علم و دانش اولین بار در تمدن‌های نخستین مانند کناره‌ی رود نیل (مصر)، شانگهای (چین)، بین‌النهرین (آشور و کلدانی، عیلام)، کارون (شوش و خوزستان) و یونان ظهور کرد. پس از اختراع ماشین بخار توسط وات و دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ که نقطه‌ی عطف و تحولی در تاریخ جهان محسوب می‌شود و متعاقب آن انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ و انقلاب صنعتی در انگلستان دانشگاه‌ها از توسعه‌ی کمی و کیفی در اروپا برخوردار شدند و پس از رنسانس دانشگاه‌های جدید برای اولین بار در اروپا پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند. سپس این دانشگاه‌ها به سراسر جهان سرایت کردند. اکنون در اواخر دوران مدرنیته، نقش دانشگاه در نتیجه بروز تحولات ساختاری در تولید و مشروعیت دانش دچار تحول و تغییر شده است. امروز کنشگران اجتماعی به‌نحو فزاینده‌ای دانش و محصولات آن را طلب می‌کنند. به‌عبارت دیگر امروزه ما شاهد حرکت از سیاست تولید دانش به‌سمت سیاست تقاضای دانش هستیم. پاره‌ای از دانشمندان معتقدند که دانش به پایان عمر خود رسیده است در صورتی که دانش در دوره فعلی تغییر یافته است. از یک سو دانش به‌نحو فزاینده‌ای جهانی می‌شود و از وابستگی سنتی آن به دولت - ملت، روشنفکران و استادان دانشگاه کاسته می‌شود، از سوی دیگر این نهاد به‌سمت بخش‌بخش شدن پیش می‌رود، به این معنا که توانایی خود را در جهت‌بخشی به جامعه از دست می‌دهد، و به گفتمان‌های تخصصی متعددی تجزیه می‌شود. این فرآیندها را در چهارچوب یک منطق جداکننده می‌توان تحلیل کرد که بر پایه آن، نهاد و دانش از یکدیگر جدا می‌شوند و به شیوه‌های جدید ترکیب می‌شوند.

هدف رشته‌ی علوم سیاسی

عبارت است از: مطالعه و تحقیق پیرامون پدیده‌های سیاسی از جمله نهضت‌های انقلابی و اشکال مختلف دولت و حکومت و رابطه‌ی قدرت و مبانی مادی و اخلاقی و اعتقادی هر یک از آن‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و کشف روابط و پدیده‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است و اهداف آموزش این رشته عبارتند از:

الف) اعتلای ارزش‌های اصیل انسانی و یافتن امکان تفاهم با ملت‌های دیگر براساس ارزش‌های انسانی مشترک؛

ب) تربیت افراد کارآمد با توانایی علمی که قابلیت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی - اجتماعی ایران و مناطق مختلف جهان را داشته باشند و بتوانند در ارگان‌های اجرایی کشور مفید واقع شوند؛

ج) تأمین نیروی انسانی مورد نیاز وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های عمومی کشور به‌ویژه وزارت امور خارجه و وزارت کشور.

بیان مسأله

آموزش به‌ویژه آموزش عالی زیربنای توسعه‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه به‌شمار می‌رود. رشته‌ی علوم سیاسی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی نقش مهمی در ایجاد زمینه‌های بیشتر تفاهم در سطح منطقه به‌عهده دارد. بدیهی است هرچقدر وضعیت آموزش علوم سیاسی مطلوب‌تر و کارآمدتر باشد زمینه‌های توسعه و تفاهم بین کشورها مطلوب‌تر فراهم می‌شود. سریع‌تر و پایدارتر صورت می‌گیرد. و هرقدر سطح آموزش از جمله آموزش علوم سیاسی صوری و کم‌مایه باشد، تحقق اهداف، ضعیف‌تر و در صورت وقوع، ناپایدارتر خواهد بود.

با توجه به این‌که ایران و مصر دارای تمدن باستانی و سابقه‌ی دیرینه در تولید انبوه علم در گذشته‌های دور را دارند و همچنین هر دو کشور با فاصله‌ی اندکی اقدام به تأسیس دانشگاه به سبک جدید و رویکرد به علوم جدید نموده‌اند و این دو کشور ویژگی‌های مشترکی در زمینه‌های فرهنگی، دینی و تاریخی و اجتماعی دارند، لذا آشنایی با وضعیت آموزش رشته‌ی علوم سیاسی کشور ایران و آسیب‌شناسی آن و مقایسه آموزش علوم سیاسی با دانشگاه‌های کشور مصر به‌جهت نزدیکی فرهنگی و جغرافیایی، می‌تواند در ارائه‌ی روش‌ها و راهکارهای مناسب و عملی، ایجاد تفاهم و همکاری‌های مشترک سودمند واقع شود و از این طریق به غنای علمی و ارتقای آموزش علوم سیاسی بیفزاید و زمینه‌های بیشتر درک و حسن تفاهم بین کشورهای منطقه فراهم می‌شود.

اهمیت و ضرورت موضوع

علوم سیاسی در کشورهای خاورمیانه رشته‌ای نوظهور تلقی می‌شود به‌عبارت دیگر در این کشورها فرایند دگرگونی هنجاری در حوزه‌های ساختاری پیش از فضای آموزش انجام می‌گیرد. در این تحقیق تلاش می‌شود تا فرآیند آموزش علوم سیاسی در ایران و مصر به‌گونه‌ای مقایسه‌ای انجام شود و آثار آن در حوزه‌ی رفتار دیپلماتیک کشورها ارزیابی شود. غالب دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی مسائل سیاسی و بعضاً موضوعات اقتصادی را به‌عنوان موضوع تحقیق خود انتخاب می‌کنند. در حالی‌که رشته‌ی علوم سیاسی، سایر حوزه‌های دیگر را مانند مسائل آموزشی، فرهنگی و اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. به‌همین سبب محقق به‌جهت مقبولیت مسائل آموزشی، آموزش علوم سیاسی دو کشور کهن منطقه یعنی ایران و مصر را به‌عنوان موضوع تحقیق خود برگزیده است.

اهداف تحقیق

- ۱- نقد و بررسی وضع موجود؛
- ۲- نقد و بررسی علل و عوامل شکل‌دهنده‌ی وضع موجود نظام آموزش علوم سیاسی ایران و مصر؛
- ۳- نقد و بررسی پیامدها و آسیب‌های برخاسته از آن؛
- ۴- ارائه‌ی راهکارهای راهبردی، کاربردی و آموزشی در جهت بهبود وضعیت موجود.

چهارچوب و الگوی نظری تحقیق

اساس و پایه‌ی اکثر پژوهش‌های علوم انسانی از جمله علوم سیاسی در هردو کشور ایران و مصر در قالب رویکرد پوزیتیویستی صورت می‌پذیرد. از این‌رو تحقیقاتی را که در چهارچوب پوزیتیویسم^۱ انجام می‌شود نمی‌توان به یافته‌های آن اعتماد کامل داشت. زیرا در رویکرد پوزیتیویسم به پدیده‌های اجتماعی و سیاسی مانند علوم تجربی نگریسته می‌شود. با توجه به این‌که قوانین علوم تجربی همواره ثابت و قانونمندانه، تسری این رویکرد بر علوم اجتماعی و علوم انسانی ممکن است یافته‌های پژوهشگران را دچار انحراف سازد. از طرفی تنوع روش‌شناختی در علوم اجتماعی کار محققان را با مشکل مواجه می‌سازد، بدیهی است محقق باید با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، بهترین روش را انتخاب نماید، تا بهره‌برداری از آن میسر باشد برخی اندیشمندان پوزیتیویست همچون سن سیمون فرانسوی (۱۶۷۵-۱۷۵۵) و اگوست کنت فرانسوی (۱۷۹۸-۱۸۵۷) که طرف‌دار شعار وحدت علوم بودند مدعی این آموزه بودند که علوم انسانی نیز تابع علوم تجربی‌اند بنابراین، نظریه‌های علوم انسانی نیز قابلیت تبدیل شدن به قانون را دارند (وفایی، خسرو، روزنامه ایران، سعدی، شماره ۴۱۵۱، شنبه سوم اسفند ۱۳۸۷: ۱۰). در رویکرد پوزیتیویستی مانند دیدگاه رئالیستی پدیده‌های اجتماعی را همان پدیده‌های فیزیکی تلقی می‌کنند. حاصل تمام دگرگونی‌های نظری و عملی و پیدایش گرایش‌های جدیدی در معارف بشری، موجب جدایی علوم از فلسفه با مفهوم و محتوای دیگری شد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). رویکرد تفسیری که واقعیت اجتماعی را یک برساخته می‌داند، روش دیگری در پژوهش‌های علوم اجتماعی است. از دیگر رویکردهای مطرح در حوزه‌ی علوم اجتماعی و علوم انسانی رویکرد انتقادی است که واقعیت اجتماعی را به‌گونه‌ی واقعی و جدا از درک و دانش ما نشان می‌دهد. روش دیگر تحقیق در حوزه‌ی علوم اجتماعی سنت‌گرایی^۲ است. سنت‌گرایی مبتنی بر روش‌های عمدتاً توصیفی و تاریخی قرار داشت درحالی‌که رفتارگرایی برای تصحیح آن و در جست‌وجو برای نظریه‌پردازی در علوم سیاسی و روابط بین‌المللی ظاهر گشت و به‌دنبال ایجاد علم و روش علمی بود با بروز نقایص رفتارگرایی، رویکرد فرارفتارگرا ظهور کرد که سعی داشت هم به عوامل مشهود و هم نامشهود در تحلیل سیاسی توجه نماید و خود سؤالات جدیدتری را مطرح ساخته است. اثبات‌گرایی نیز از روش‌های متداول تحقیق در علوم اجتماعی است. در اثبات‌گرایی، اعتبار احکام علمی براساس شواهد عینی قابل اثبات است. ادامه این دیدگاه در قرن بیستم به روش رفتارگرایی در علم سیاست منجر شد. در این روش بدون توجه به دیدگاه‌های ارزشی و تجویزی و با استفاده از طبقه‌بندی و کشف قوانین و مشاهده و تجربه و ارزیابی، علوم سیاسی مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌گیرد. نظریات مختلفی درباره‌ی علوم سیاسی وجود دارند. که می‌توان به نظریه‌های: سنتی توازن قدرت، زیست‌محیطی، واقع‌گرایی، سیستمی، منازعه، امپریالیسم،

1 - Positivism

2 - Traditionalism

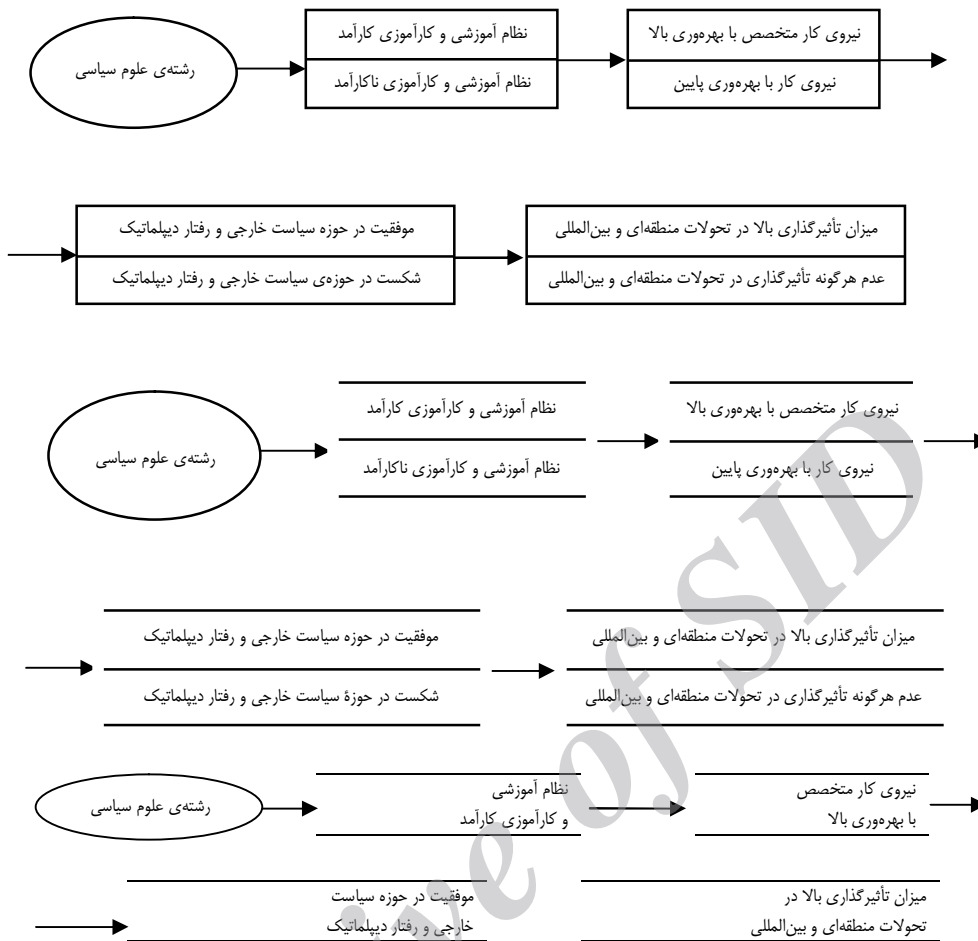
بازدارندگی و کنترل تسلیحات، هم‌گرایی و منطقه‌گرایی، نظریه‌های تصمیم‌گیری و نظریه‌ی بازی‌ها، بازی‌سازی، شبیه‌سازی و چانه‌زنی اشاره کرد. مروری بر ادبیات علوم سیاسی در طول قرن بیستم و پس از آن نشان می‌دهد این رشته‌ی مطالعاتی با تحولات نظری و مفهومی همراه بوده است. آنچه به‌عنوان مناظرات سه یا چهارگانه روابط بین‌الملل می‌شناسیم (میان آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، علم‌گرایان و سنت‌گرایان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، مناظره میان پارادایم نو و واقع‌گرایان، نو لیبرال‌ها، و مارکسیست‌های ساختارگرا در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ و سرانجام مناظره‌ی میان خردگرایان و بازاندیش‌گرایان در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ و دهه‌ی ۱۹۹۰) صرف‌نظر از دقت، اصالت، و مفید بودن مرزبندی‌ها تکثرشناختی همیشگی روابط بین‌الملل را نشان می‌دهد. در هر دو سوی این مناظرات و نیز حتی در درون هریک از طرف‌های آن، نه فقط در مورد مبانی شناخت و روش‌های حصول آن بلکه همواره درباره‌ی مفاهیم بنیادین در خود علوم سیاسی و گستره‌ی تعریفی آن‌ها اختلاف نظر وجود داشته است. از مفهوم آناژشی تا نظام بین‌الملل، کنش‌گر، ساختار، دولت، حاکمیت، تهدید، امنیت، نظم، قدرت، موازنه، هژمونی، قواعد بین‌المللی و مانند آن، همه بارها مورد تعریف و بازتعریف قرار گرفته‌اند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۶۵۷). تا قبل از جنگ جهانی دوم روابط بین‌الملل و علوم سیاسی جزو دروس مستقل نبود و به موضوعات حقوق بین‌الملل عمومی و تاریخ دیپلماسی و سیاست خارجی محدود می‌شد. البته از زمان هابز یک‌سری مسائل عرفی بین‌المللی مانند نظریه موازنه‌ی قدرت وجود داشت. چنین در بین دو جنگ (جهانی اول و دوم) نظام امنیت دسته‌جمعی که از اندیشه‌های ویلسون رئیس جمهوری آمریکا منتج می‌شد، بر چهار پایه‌ی اخلاقی مبتنی بر اخلاق مسیحی، اقتصادی، مبتنی بر اقتصاد آزاد و فلسفی برمبنای فلسفه کانت و حقوقی بر مبنای حقوق اثباتی تشکیل شد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۱: ۶۲). مورگنتا کتاب سیاست در میان ملت‌ها را نوشت و به‌عنوان انجیل واقع‌گرایی عرضه کرد. نظریه‌ی واقع‌گرایی بر سه اصل قدرت‌محوری، دولت‌محوری و موازنه‌ی قوا به‌عنوان تنها راه جلوگیری از جنگ استوار بود (مصفا، ۱۳۸۵: ۲-۲۱). حسین بشریه نیز در کتاب خود با عنوان آموزش دانش سیاسی به یازده نگرش و روش در علوم سیاسی یعنی رفتارگرایی، تحلیل سیستم‌ها، نظریه‌های تصمیم‌گیری، مبادله، گزینش عقلانی، گزینش عمومی، بازی‌ها، مدل‌های فضایی، ائتلاف، نگرش سبیرتیک و نظریه‌ی گروهی اشاره کرده است (بشریه، ۱۳۸۲: ۸۲-۶۲).

پرسش‌های تحقیق

- ۱- شاخص‌های آموزش علوم سیاسی در مصر چگونه است؟
- ۲- شاخص‌های آموزش علوم سیاسی در ایران چگونه است؟
- ۳- نقاط قوت و نقاط ضعف در حوزه‌ی علوم سیاسی در کشورهای یاد شده چگونه است؟

الگوی نظری تحقیق

الگوی نظری تحلیلی، ساخت مدل و ترسیم شکلی شماتیک است که رابطه هرچه بهتر میان فرضیات را نشان می‌دهد.



روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر براساس هدف تحقیق، هم کاربردی است و هم براساس وسعت تحقیق کلان در مطالعه استنادی و براساس زمان تحقیق مقطعی و براساس ژرفای تحقیق، ژرفانگر است.

جامعه‌ی مورد مطالعه

آموزش علوم سیاسی در ایران و مقایسه‌ی آن با جمهوری عربی مصر جامعه‌ی مورد بررسی این تحقیق است.

وضعیت آموزش رشته علوم سیاسی در ایران قبل از انقلاب

همان‌گونه که اشاره شد آغاز ورود علم سیاست به ایران به سال ۱۲۷۶ شمسی و به تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی برمی‌گردد. گرایش محافظه‌کارانه، پرهیز از تحلیل مسائل سیاسی، غلبه‌ی رویکرد حقوقی در مطالعات سیاسی، گرایش به سمت ترجمه‌ی آثار خارجی و گریز از پرداختن به مسائل سیاسی ایران و فرهنگ خودی، از مشخصات بارز و ویژگی‌های این دوره تا تأسیس دانشگاه تهران به‌شمار

می‌رود. پس از تأسیس دانشگاه تهران، ابتدا رویکرد رشته‌ی علوم سیاسی بیشتر مباحث حقوقی بود ضمن این که سیستم آموزشی بر مبنای سیستم دانشگاه‌های فرانسه بنا شده بود و بیشتر استادان تحصیل‌کردگان کشور فرانسه بودند. پس از تغییر و تحول در سال ۱۳۴۱ و سپس در سال ۱۳۴۶ رویکرد دانشگاه تهران از سیستم فرانسوی به سیستم آمریکایی تغییر کرد از آن پس اولاً رشته‌ی علوم سیاسی از انحصار دانشگاه تهران خارج شد و دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی فعلی) که الگوبرداری از دانشگاه‌های آمریکایی به‌ویژه دانشگاه کلمبیای نیویورک بود، اقدام به تأسیس رشته‌ی علوم سیاسی نمود. بیشتر استادان این دانشگاه برخلاف دانشگاه تهران تحصیل‌کردگان دانشگاه‌های آمریکا بودند ضمن این که از آن پس سیستم واحدی به سیستم سالانه تغییر یافت و دروس سیاسی و روابط بین‌الملل جایگزین دروس حقوق شد در این دوره روش‌های جامعه‌شناختی به‌جای رویکرد حقوقی در مطالعات ایران تقویت شد و برنامه‌های آموزشی رشته‌ی علوم سیاسی تغییر کرد و برخی دروس جدید تصویب شد و چند مؤسسه و نشریه‌ی جدید نیز در صحنه‌ی سیاست پدیدار شدند. همچنین در این دوره، دوره‌های فوق لیسانس و دکترا تأسیس شد (آمار آموزش عالی ایران، سال ۱۳۴۸-۴۹، مؤسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی).

وضعیت آموزش رشته علوم سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

در پی پیروزی انقلاب اسلامی، در دانشکده‌ی حقوق تلاش‌هایی برای خروج از سستی و محافظه‌کاری حاکم بر آن صورت گرفت. اعضای هیأت علمی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پس از سال‌ها که رئیس دانشکده از سوی مقامات بالاتر منصوب می‌شد، برای اولین و آخرین بار پس از انقلاب، خود راساً به انتخاب رئیس دانشکده مبادرت ورزیدند و دکتر محمد رضوی را بدین سمت انتخاب کردند. همچنین در دوره‌ی شبانه، رشته‌ی علوم سیاسی، درسی تحت عنوان «مبانی حکومت در اسلام» ارائه شد.

کمیته‌ی برنامه‌ریزی علوم سیاسی، به سرپرستی دکتر همایون الهی تشکیل گردید و تغییرات وسیعی را در برنامه‌ی آموزشی رشته‌ی علوم سیاسی به‌وجود آورد. دکتر همایون الهی نقش مؤثر و سازنده‌ای در برنامه‌ریزی دروس علوم سیاسی ایفا نمود. اهمیت فعالیت‌های انجام شده توسط نامبرده و تیم آموزشی که تحت نظارت ایشان فعالیت می‌کرد منجر به دوام برنامه‌های علوم سیاسی به‌مدت ۳ دهه شد.

ارکان آموزش علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای در مصر

دانشگاه قاهره

این دانشگاه که قدیمی‌ترین، دانشگاه مصر به‌شمار می‌رود، رشته‌ی علوم سیاسی را در دانشکده‌ی اقتصاد و علوم سیاسی در چهار مقطع لیسانس، دیپلمش، فوق لیسانس و دکترا ارائه می‌کند.

دپارتمان علوم سیاسی دانشکده‌ی اقتصاد و علوم سیاسی

رشته‌های این دانشکده شامل: الف- اقتصاد ب- آمار ج- علوم سیاسی می‌باشد.

این دپارتمان یکی از بهترین و مهمترین دپارتمان‌های مصر و منطقه به‌شمار می‌رود و دارای رشته‌های فرعی سیاست‌های تطبیقی - علوم سیاسی - اقتصاد، تئوری سیاسی و روابط بین‌الملل می‌باشد. این دپارتمان در سال ۱۹۶۰ تأسیس شده است و در شمال آفریقا و منطقه‌ی خاورمیانه شاخص‌ترین دپارتمان آموزشی محسوب می‌شود. در سال ۲۰۰۸ این دپارتمان دارای ۱۱۰ نفر عضو هیأت علمی و کادر پشتیبانی بود که ۴۶ نفر آن‌را استاد، ۱۱ نفر دانشیار، ۱۲ نفر استادیار، ۲۴ نفر مربی و ۱۸ نفر کارمندان پشتیبانی تشکیل می‌داد و هر ساله شماری از استادان دیگر دانشگاه‌های اروپایی جهت بازدید و سخنرانی به این دانشگاه نیز دعوت می‌شوند (توصیف مقررات الماجستير و الدكتوراء جامعه‌القاهره، اگستس، ۲۰۰۲، عربی).

دانشگاه آمریکایی قاهره

این دانشگاه دارای چهار مدرسه‌ی (دانشکده) شامل؛ مدرسه‌ی علوم اجتماعی و انسانی، مدرسه‌ی بازرگانی، اقتصاد، ارتباطات، مدرسه‌ی علوم و مهندسی و مدرسه‌ی آموزش دائمی است. این دانشگاه در ۱۵ رشته و ۳۰ دوره‌ی تخصصی درجه‌ی لیسانس اعطا می‌نماید ضمناً این دانشگاه از چندین مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی تشکیل شده است هر مدرسه‌ی (دانشکده) و مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی متشکل از چندین دپارتمان یا گروه آموزشی است دانشکده‌ای که متولی آموزش علوم سیاسی و دیگر رشته‌های مرتبط می‌باشد مدرسه‌ی علوم انسانی و اجتماعی نام دارد.

دانشگاه ۶ اکتبر

تاریخچه‌ی این کالج به سال ۱۹۹۸ برمی‌گردد این کالج برای اولین بار در سال تحصیلی ۱۹۹۸-۱۹۹۹ دانشجو پذیرفت. این کالج متشکل از ۹ دپارتمان است. سیستم آموزشی سالانه و متشکل از دو ترم می‌باشد، این کالج برای آماده‌سازی و ارتقای گروه‌های علمی و دانشجویان فعالیت می‌کند. دانشجویانی که سطح علمی آن‌ها پایین می‌باشد یا دروس مرتبط را با موفقیت طی نکرده‌اند باید در امتحان ماه سپتامبر شرکت بکنند و از عهده‌ی امتحانات برآیند.

دانشگاه بریتانیایی مصر

این دانشگاه نیز دارای رشته‌ی علوم سیاسی است که دانشجویان را آماده می‌سازد تا مراحل بالاتر ادامه‌ی تحصیل بدهند یا این‌که آن‌ها می‌توانند در مشاغل سیاسی و دیپلماتیک در دستگاه‌های دولتی مصر مانند وزارت امور خارجه و وزارت کشور یا آژانس‌های بین‌المللی خارجی و آژانس‌های وابسته به سازمان ملل و شرکت‌های مادر خارجی به‌کار مشغول شوند همچنین این رشته، دانشجویان را با سیاست‌های خارجی بریتانیا و آمریکا به‌موازات سیاست خارجی مصر و تعارض بین اعراب و اسرائیل و سیاست‌های خلیج فارس و سیاست‌های اسلامی و اقلیت‌های مسلمانان آشنا می‌سازد ضمناً مفاهیم سیاسی غرب را با واقعیت‌های منطقه‌ای سازگار نموده و تطبیق می‌سازد یا به‌عبارتی بومی‌سازی می‌کند.

ویژگی‌های مشترک آموزشی دو کشور ایران و مصر

استاد

استاد یکی از ارکان آموزش می‌باشد ناکافی بودن حقوق و تخصیص ندادن بودجه‌های پژوهشی و تحقیقاتی و توجه نکردن به استادان و ندادن بورس‌های تحصیلی و فرصت‌های مطالعاتی و تدریس تمام‌وقت استادان به شدت از کیفیت علمی استادان در ایران کاسته است فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه استادان را دچار احتیاط و خودسانسوری کرده است و برخی تصمیمات ناسنجیده‌ی سیاسی در محیط‌های علمی و دانشگاهی امنیت شغلی استادان را به مخاطره انداخته است از نظر کمی نیز رشد استاد متناسب با رشد دانشجو نبوده است مثلاً در سال ۱۳۵۷ نسبت استاد به دانشجو ۲۳/۶ نفر بوده که این نسبت در سال تحصیلی ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ به ۲۹/۹ رسیده علاوه بر آن از مجموع کادر آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی قریب به ۴۱/۲ درصد در رتبه‌ی مربی و آموزشیار بوده‌اند اما در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ به ۵۱/۶ درصد افزایش یافته است که نشان دهنده سطح علمی کادر آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی طی این مدت است در سال تحصیلی ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ جمع کل شمار مربیان و مربیان آموزشیار و کادر غیر هیأت علمی که معمولاً دارای درجه‌ی فوق لیسانس هستند، در حدود ۱۴۷۷۰ نفر بوده است یعنی قریب به ۵۴/۱ درصد از کل کادر هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تاریخچه و آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، گروه پژوهش‌های آماری: ۲۴۳ و ۲۴۵). رشته‌ی علوم سیاسی در همه‌ی مقاطع پس از انقلاب به جهت بی‌اعتمادی دولت به استادان این رشته بیش از سایر رشته‌ها، آسیب‌پذیر بوده است. به طوری که همواره از نظر کمی در موقعیت بحران به سر برده است نکته‌ی قابل توجه در این است که دانشگاه ملی به جهت ارتباط استادان آن با حکومت پهلوی و از طرفی به جهت این که استادان آن فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا بودند و استادان دانشگاه پهلوی شیراز که اکثراً آمریکایی بودند کلاً یا تصفیه شدند یا خود ترجیح دادند که کشور را ترک نمایند (تاریخچه و آمار آموزش عالی ایران سال ۱۳۴۸-۴۹، مؤسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی). استادان داخلی و دولتی مصر از نظر حقوق و شرایط معیشتی وضع مطلوبی ندارند و مانند بیشتر کشورهای جهان سوم متأسفانه از امکانات ویژه‌ی برخوردار نیستند، اما استادان خارجی که بعضاً در دانشگاه‌های خارجی خصوصی مانند دانشگاه آمریکایی قاهره و دانشگاه بریتانیایی قاهره یا دانشگاه فرانسوی قاهره تدریس می‌کنند از وضعیت مشابه کشورهای خود برخوردارند (احمد محمد، امین، الدساتیر و مشروعات الدساتیر فی مصر، درآسه فی صلاح الدستوری و السیاسی، ۲۰۰۶، قاهره، مکتبه الشروق الدولیه).

تحقیق

بودجه‌ی پژوهشی ایران ۰۶۵٪ درآمد ناخالص ملی است وضعیت مصر از ایران نامطلوب‌تر است درصد بودجه‌ی پژوهشی مصر کمتر از ۰۵٪ است خاطر نشان می‌سازد براساس آمار ISI ترکیه در ارائه مقالات علمی در خاورمیانه مقام اول، ایران مقام دوم و مصر مقام سوم را دارند (پایگاه بین‌المللی، ISI).

وجه افتراق آموزش علوم سیاسی در دو کشور ایران و مصر

مقاطع تحصیلی

مقاطع تحصیلی آموزش عالی در کشور مصر از چهار مقطع لیسانس، دیپلم یک‌ساله، فوق لیسانس و دکتری تشکیل شده است در صورتی که مقاطع تحصیلی آموزش عالی در ایران شامل فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری می‌باشد.

کنکور و جذب دانشجو

در کشور ایران دانشجویان از طریق امتحانات ورودی و به صورت متمرکز با توجه به سهمیه‌بندی‌های موجود انتخاب می‌شوند. این روش ضمن وارد ساختن آسیب‌های روحی و اجتماعی به داوطلبان ورود به دانشگاه و خانواده‌های آن‌ها، موجب تحمیل هزینه‌های گزاف اقتصادی به خانواده‌ها و دولت می‌شود. در صورتی که در کشور مصر انتخاب دانشجو براساس علاقه و بر پایه نمرات دبیرستانی صورت می‌پذیرد (توصیف مقررات الماجستیر و الدكتوراء جامعه القاهره، اغسطس، ۲۰۰۲ عربی).

در چنین شرایطی دانشجویان با توجه به علاقه و توانمندی‌های خود، رشته‌های دانشگاهی را انتخاب می‌کنند که این امر منجر به کارآمدی و بهره‌وری بهتر آموخته‌های علمی می‌شود. پیش از انقلاب فقط دانشگاه‌های تهران، ملی (شهید بهشتی) و در اواخر سال‌های منتهی به انقلاب دانشگاه شیراز دارای رشته‌های علوم سیاسی بودند (آمار آموزش عالی ایران، سال ۱۳۴۸-۴۹، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی).

پس از انقلاب با توجه به جذابیت و مسائل روز ضمن افزایش بی‌رویه‌ی تعداد دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی به تعداد دانشکده‌های علوم سیاسی نیز افزوده شد. تعداد دانشکده‌های تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۷۳ واحد و دانشکده‌های علوم سیاسی دانشگاه آزاد ۳۳ واحد که در مجموع ۱۰۶ دانشکده به آموزش مجموعه‌ی علوم سیاسی در ایران فعالیت دارند. برای رشد و توسعه‌ی کمی و کیفی این رشته هیچ‌گونه مطالعات کارشناسی صورت نپذیرفته است. در صورتی که کشور مصر، دارای ۴ دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. بدیهی است همواره کیفیت با کمیت رابطه معکوس دارد. تعدد و کثرت دانشکده‌های علوم سیاسی و به تبع آن کثرت دانشجویان یکی از آسیب‌های موجود در کشور ایران می‌باشد.

کیفیت آموزش علوم سیاسی

در کشور مصر به دلیل کاربردی بودن دروس رشته‌ی علوم سیاسی کیفیت آموزشی نسبت به ایران بهتر و مطلوب‌تر می‌باشد. در کشور ایران کثرت دانشجویان و دانشکده‌ها و نظری بودن دروس موجب کاهش کیفیت آموزشی شده است.

دانشجو

یکی دیگر از ارکان آموزش دانشجویان است. پس از انقلاب تعداد دانشجویان و دانشگاه‌ها بی‌رویه افزایش یافت. مسلماً همواره کیفیت با کمیت رابطه معکوس دارد به همین سبب کیفیت آموزشی به شدت

کاهش یافت. در سال تحصیلی ۱۳۵۶-۱۳۵۷ تعداد دانشجویان ۱۵۱۲۵۰ نفر بودند یعنی ۴/۰ درصد جمعیت ایران دانشجوی بودند در صورتی که این رقم در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۷۹ به ۱۵۷۷۰۰۰ افزایش پیدا کرده یعنی جمعیت دو برابر و تعداد دانشجو ۱۰ برابر افزایش یافت و این هم اثر منفی در کیفیت آموزشی گذاشته است. یکی از علل افزایش دانشجو، آیین نامه خاص ورود به دانشگاه‌هاست و سهمیه‌بندی دربارهی ورود دانشجویان به دانشگاه‌هاست که به علت ضعف علمی کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها را کاسته است. هم‌چنین نحوه‌ی انتخاب دانشجو و کنکور در علاقه‌مندی دانشجویان نقشی نداشته و این مسأله هم منجر به کاهش کیفیت آموزشی شده است. در حال حاضر ورودی سالانه دانشجویان مجموعه گروه علوم سیاسی در ایران بالغ بر ۵۲۰۰ نفر و به عبارتی تعداد دانشجویان این رشته قریب بر ۲۸۰۰۰ نفر است. اگر خروجی فارغ‌التحصیلان را نیز همان تعداد در سال در نظر بگیریم پی به بحران وضعیت فارغ‌التحصیلان و بازار کار آن‌ها خواهیم برد. در کشور مصر تعداد دانشجویان مجموعه‌ی علوم سیاسی معدود و محدود است، و به همین علت بحران بیکاری برای دانش‌آموختگان این رشته وجود ندارد (توصیف مقررات الماجستير و الدكتوراء جامعه القاهرة، اغسطس، ۲۰۰۲ عربی). و در ایران به ازای هر ۲۵۰۰ نفر ایرانی یک نفر دانشجوی رشته‌ی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل وجود دارد در صورتی که این نسبت پیش از انقلاب در ایران به ازای هر ۷۲۰۰۰ نفر ۱ دانشجو و در حال حاضر در کشور مصر به ازای هر ۲۰۰۰ نفر ۱ نفر دانشجوی رشته‌ی علوم سیاسی مشغول به تحصیل است. (توصیف مقررات الماجستير و الدكتوراء جامعه القاهرة، اغسطس، ۲۰۰۲ عربی).

بازار کار

وضع دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران بسیار نامطلوب است. در این زمینه جایگاه فارغ‌التحصیلان علوم سیاسی در نظام سیاسی اداری معلوم نیست و با وجود این که معمولاً دانشجویان این رشته دارای توانمندی‌های علمی و اجرایی بالایی هستند استفاده‌ی چندانی از آن‌ها نمی‌شود و بسیاری از آن‌ها شغل مشخصی ندارند. اکثر فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم سیاسی یا بیکارند یا در مشاغل غیر مرتبط مشغول به کار هستند وزارت خارجه یا وزارت کشور کمتر از فارغ‌التحصیلان این رشته استفاده می‌کنند و بیشتر از وجود افراد معتمد و متعهد به‌جای متخصص استفاده می‌نمایند. پیشتر در غرب هم این رویه وجود داشت یعنی علم سیاست در یک دوره‌ی طولانی تنها به آموزش و پرورش اکتفا کرده و از واقعیت عملی آن به‌دور مانده بود (روویس، ۱۳۷۲: ۵). در صورتی که در حال حاضر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی از نظرات سیاست‌دانان استفاده می‌شود. در فرآیند ادغام سیاسی، یکپارچگی ملی و وحدت ملی یکی از عناصر اساسی، آموزش سیاسی است که تنها به‌وسیله‌ی متخصصان این رشته قابلیت تحقق دارد، ولی در کشور ما به‌دلیل این که بین آموزش سیاسی و تبلیغ سیاسی تفاوتی وجود ندارد، به‌شدت و به‌سرعت این اقدامات جنبه ایدئولوژیک به خود می‌گیرد و موجب می‌شود که فرهنگ سیاسی جامعه به‌نحوی شکل بگیرد که با نظام سیاسی موجود در تعارض باشد. توجه به این بعد مهم و کارکرد اساسی علم سیاست در جامعه ایران اهمیتی حیاتی دارد. البته این

امر فرع بر اعتبار بخشیدن به علوم سیاسی به‌عنوان یک رشته علمی است. مفاهیم سیاسی در ایران معاصر چنان به هم آمیخته‌اند، که سبب به‌وجود آمدن نوعی آشفتگی و بحران مفاهیم در این زمینه شده‌اند.

به‌روز بودن دروس

آخرین تغییرات درسی مجموعه‌ی علوم سیاسی در ایران در سال ۱۳۷۶ به وقوع پیوست و از آن تاریخ تاکنون تغییرات و تجدیدنظری در محتوا و عناوین درسی به‌عمل نیامده است (برنامه بخش آموزش عالی و تحقیقات، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران، ۱۳۷۸). در صورتی که در برخی از دروس مجموعه‌ی علوم سیاسی دانشکده‌های مصر همه‌ساله در آغاز سال تحصیلی با توجه به مقتضیات زمان و مسائل روز بازننگری و تجدیدنظر به‌عمل می‌آید (توصیف مقررات الماجستير و الدكتوراء جامعه القاهرة، اغسطس، ۲۰۰۲ عربی).

کاربردی بودن دروس رشته‌ی علوم سیاسی در دانشگاه‌های مصر

رشته‌های مطالعات منطقه‌ای (مطالعات آمریکا) و (مطالعات خاورمیانه) و علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آمریکایی قاهره دانشجویان خود را برای کارآموزی و کارورزی و بازدید به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی معرفی و اعزام می‌دارد. همچنین سمینارهای آموزشی و سخنرانی‌های علمی، در رشته‌ی علوم سیاسی دانشگاه‌های مصر از دروس ضروری و اجباری این رشته می‌باشد. دانشجویان در پایان سخنرانی و سمینار باید نتیجه‌ی سخنرانی و سمینار را ضمن تجزیه و تحلیل به‌صورت کتبی به استاد مربوطه ارائه نمایند و استاد با توجه به استنباطها و نحوه‌ی تجزیه و تحلیل نمره‌ی دانشجو را تعیین می‌کند. اساس دروس رشته‌ی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه‌های مصر بر پایه‌ی تفکر و تجزیه و تحلیل بنا شده است و به محفوظات اهمیت داده نمی‌شود. همچنین زبان انگلیسی یا زبان خارجی اروپایی غیر انگلیسی و کامپیوتر از دروس اجباری دانشگاه‌های مصر محسوب می‌شوند. در رشته‌ی علوم سیاسی تعداد واحدهای انگلیسی به‌حدی است که دانشجویان به این زبان مسلط می‌شود و می‌توانند تکلم کنند و همچنین به منابع عظیم علمی اعم از نوشتاری و دیجیتالی دسترسی دارند.

تعامل مناسب ارگان‌های سیاسی با دانشگاه‌های سیاسی مصر

علی‌رغم این که دولت‌مردان سیاسی مصر به نظرات دانشمندان علوم سیاسی و دانشگاهیان اهمیت نمی‌دهند لیکن دستگاه‌های دولتی از جمله وزارت امور خارجه و سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های خبری و سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی با دانشگاه‌های مصر در تعامل هستند و مانند رابطه‌ی صنعت و دانشگاه که در رشته‌های صنعتی معمول است، برقراری ارتباط میان دانشگاه و ارگان‌های سیاسی و بین‌الملل در کشور مصر نیز برقرار است. دانشگاه‌های مصر با اعزام دانشجو به ارگان‌های سیاسی برای گذراندن دوره‌های کارآموزی و کارورزی و همچنین تبادلات علمی و آموزشی رابطه‌ی مطلوبی می‌باشند.

ناکارآمدی رشته‌ی علوم سیاسی در ایران

ناکارآمدی رشته‌ی علوم سیاسی از موارد دیگر اشکالات رشته‌ی علوم سیاسی است به‌طور کلی هدف علم کشف قانون‌مندی‌های حاکم بر طبیعت و استفاده از آن‌هاست، هدف علم سیاست هم کشف قانون‌مندی‌های حاکم بر زندگی سیاسی است که در سه حوزه‌ی توصیف، تبیین و پیش‌بینی قابل تحقق است هم‌چنین می‌توان از دو قالب در این زمینه سخن گفت: تحلیلی و تجویزی؛ در قالب تحلیلی کارکرد علم، صرفاً تحلیل پدیده‌هاست که در آن روابط علمی بین پدیده‌های دیگر بررسی می‌شود اما در قالب تجویزی پژوهشگر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از تحلیل صرف فراتر رفته و گام به عرصه‌ی تجویز و ارائه‌ی راه‌کارها و گزینه‌های مختلف تصمیم‌گیری سیاسی می‌گذارد. کارکرد اخیر اهمیت بسیار زیادی دارد و در وضعیت و شرایط سیاسی، اجتماعی خاص امکان بروز می‌یابد. در واقع دانش سیاسی زمانی می‌تواند در جامعه یک نقش تصمیم‌سازی را ایفا کند که روند تصمیم‌گیری در آن جامعه روندی کامل یا حداقل به‌طور نسبی علمی و عقلایی باشد. یعنی علم به‌عنوان یک پدیده جدی در آن جامعه مورد توجه و مبنای رفتار سیاسی باشد. در جامعه‌ی ایران علم سیاست از عمل سیاسی به‌دور است و معلوم نیست که هدف از آموزش و پژوهش علوم سیاسی در ایران چیست؟ (رنجبر، مقصود، نشریه‌ی شماره ۲۴ دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی). هم‌چنین دکتر ازغندی معتقد است: «معمولاً سیاست در ایران چه داخلی و چه خارجی امری غیر علمی است و این به‌معنای بی‌توجهی به علوم سیاسی و بی‌استفاده بودن تحقیقات آن‌هاست. بین سیاست‌مداران و صاحب‌نظران علم سیاست، فاصله‌ی عمیقی از هر جهت اعم از نگرش و جهان‌بینی وجود دارد دیدگاه نخبگان سیاسی در ایران امروز نگرشی فلسفی و مبتنی بر مفروضه‌های غیر قابل تفسیری است که یافته‌های علمی هیچ تأثیری در این پیش‌فرض‌های سیاست‌مداران نمی‌گذارد در نتیجه تحقیقات علم سیاست در عمل نمی‌تواند راهکاری به سیاست‌مداران نشان دهد، چراکه اصولاً به این راه‌کارها بی‌توجه هستند علاوه بر این، اصولاً نخبگان سیاسی نسبت به صاحب‌نظران علم سیاست با بدبینی نگاه می‌کنند و آن‌ها را متعلق به جهان‌بینی غربی می‌دانند. همه‌ی این‌ها عوامل اساسی هستند که می‌توانند مانع از رشد دانش سیاسی در ایران شوند، از طرفی ریشه‌یابی علل ناکارایی و ناتوانی نخبگان در ایجاد یک نظام دموکراتیک در ایران بین دو انقلاب و نیز پی‌گیری این موضوع که چرا اساساً نخبگان نتوانستند رسالت خود را به‌عنوان اهرم تعیین‌کننده‌ی توسعه‌ی سیاسی به انجام رسانند از مسائل مهم جامعه‌شناسی به‌شمار می‌آید (ازغندی، ۱۳۷۹: ۱۷۵). البته نباید ناکارآمدی رشته‌ی علوم سیاسی را منحصر به دوره‌ی پس از انقلاب بدانیم بلکه این عقب‌ماندگی ریشه در گذشته دارد. مقبول‌ترین و رایج‌ترین دیدگاه موجود در این باره نظریه‌ی «استعمار عامل عقب‌ماندگی است». این نظریه که برای اولین بار در نیم قرن پیش توسط تفکر چپ وارد معرفت سیاسی جامعه‌ی ما شد اکنون بدل به اصلی‌ترین و جدی‌ترین دیدگاه در گفتمان توسعه‌نیافتگی و ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی ایران شده است (زیباکلام، ۱۳۸۲: ۵۲).

جمع‌بندی

با امعان نظر به یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل آن و با عنایت به مقایسه وضعیت آموزش رشته‌ی علوم سیاسی در ایران و مصر می‌توان نتیجه گرفت که ساختار سیاسی و نظارتی دولت در برخی شؤن آموزشی، هردو کشور موجب فراهم‌سازی خودسانسوری استادان و دانشجویان می‌شود. از طرفی بی‌اعتمادی و بی‌اعتقادی دولت به دانشگاهیان و دانشمندان علوم سیاسی و کم‌اهمیت بودن امر تحقیق و پژوهش در رشته‌ی علوم سیاسی، مانع تولید انبوه علم در حوزه‌ی علوم سیاسی در هردو کشور شده است. از سوی دیگر ایدئولوژیک شدن محتوای برخی از دروس، شتابزدگی در تدوین برنامه‌های درسی، تداخل و همپوشانی دروس با یکدیگر، کهنه بودن مباحث و تجدیدنظر نکردن در دروس و عناوین درسی، حفظی بودن دروس، نداشتن تعامل دانشگاه‌ها با نهادهای سیاسی داخلی و خارجی عوامل ناکارآمدی رشته‌ی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در هردو کشور را به‌وجود آورده است. با توجه به مباحث گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که: اولاً در کشورهای ایران و مصر مانند سایر کشورهای خاورمیانه به‌سبب ساختار سیاسی و نظارتی دولت در آموزش و خود سانسوری استادان و بی‌اعتمادی دولت به دانشگاهیان و دانشمندان علوم سیاسی و کم‌اهمیت بودن امر تحقیق و پژوهش، تولید انبوه علم در حوزه‌ی علوم سیاسی میسر نیست. ثانیاً در ایران علاوه بر موارد یاد شده به‌جهت ایدئولوژیک شدن محتوای برخی از دروس، شتابزدگی در تدوین برنامه‌های درسی، تداخل دروس با یکدیگر، قدیمی بودن مباحث و تجدیدنظر نکردن در دروس، حفظی بودن دروس، عدم تعامل دانشگاه‌ها با ارگان‌های سیاسی داخلی و خارجی، سیستم متمرکز آموزش علوم سیاسی و نبود درجه‌بندی دانشگاه‌ها، غیر کاربردی بودن دروس، وضعیت نامناسب معیشتی و حقوق ناچیز استادان، اشتغال استادان در مشاغل دیگر، نحوه‌ی جذب دانشجو و مسأله کنکور، ضعف تحقیق و پژوهش لازم، کم‌سوادی و نداشتن مهارت کافی فارغ‌التحصیلان رشته‌ی علوم سیاسی و متعاقب آن نبود بازارکار و جذب فارغ‌التحصیلان در مشاغلی به غیر از تخصص آنان، موجب ناکارآمدی رشته‌ی علوم سیاسی در کشور ایران شده است.

منابع

- ازغندی، ع. (۱۳۷۹). *نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*. تهران: انتشارات قومس، چاپ دوم.
- اسدی، ب. (۱۳۷۹). *نخبگان خاورمیانه*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ اول.
- امین احمد، م (۲۰۰۶). *الذاتیر و مشروعات الذاتیر فی مصر: دراسه فی صلاح الدستوری و السیاسی، قاهره: مکتبه الشروق الدویه*.
- الائحه الداخليه لکلیه الاقتصاد و العلوم السیاسیه جامعه القاهره. (۲۰۰۲). (مرحله الیکایوریوس) اغسطس (عربی).
- آشنایی با کشورهای اسلامی - عربی (مصر). مؤسسه‌ی تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر
- آمار آموزش عالی ایران. (۱۳۴۸-۴۹). مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی آموزشی.

- براون، ج؛ اتکینز، م. (۱۳۸۵). آموزش مؤثر در آموزش عالی. تهران: نشر چاپار، چاپ اول.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی. تهران: انتشارات نگاه معاصر، چاپ اول.
- توصیف مقررات الماجستير و الدكتوراء جامعه القاهره. (۲۰۰۲). اغسطس (عربی).
- دورترتی، ج؛ فالترگراف، ر. (۱۳۸۴). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، بزرگی، وحید، طیب، علیرضا، تهران: انتشارات قوس، چاپ چهارم.
- دوورژه، م. (۱۳۶۲). روش‌های علوم اجتماعی. خسرو اسدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راسخ، ش. (۱۳۴۷). تعلیم و تربیت در جهان امروز، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راهنمای آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و آموزش عالی، تهران، (۱۳۸۰).
- روزنامه‌ی ایران، وفايي، خسرو، سعدی، شماره‌ی ۴۱۵۱، شنبه ۳ اسفند ۱۳۸۷
- رویش، و. (۱۳۷۲). سیاست به مثابه‌ی علم، صلاحی، ملک‌یحیی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوم.
- زیباکلام، ص. (۱۳۸۲). سنت و مدرنیته. تهران: انتشارات روزنه، چاپ پنجم.
- سیف‌اللهی، س. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: انتشارات جامعه‌پژوهان سینا، چاپ دوم.
- عزیزی، ن. (۱۳۸۵). درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران با تأکید بر علوم انسانی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- مشخصات کلی رشته‌های آموزشی گروه علوم انسانی، هنر و کشاورزی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ستاد انقلاب فرهنگی، روابط عمومی ستاد انقلاب فرهنگی، تهران، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، بی‌تا.
- مشیرزاده، ح. (۱۳۸۱). درآمد نظری بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- مصفا، ن. (۱۳۸۵). سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- نقیب‌زاده، ا. (۱۳۷۱). نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.